

یکی از کشاورزان منطقه ای، همیشه در مسابقه‌ها، جایزه بهترین غله را به دست می‌آورد و به عنوان کشاورز نمونه شناخته شده بود.

رقبا و همکارانش، علاقه‌مند شدند راز موفقیتش را بدانند. به همین دلیل، او را زیر نظر گرفتند و مراقب کارهایش بودند.

پس از مدتی جستجو، سرانجام با نکته عجیب و جالبی روبرو شدند. این کشاورز پس از هر نوبت کشت، بهترین بذرهايش را به همسایگانش می‌داد و آنان را از این نظر تامین می‌کرد. بنابر این، همسایگان او می‌بایست برنده مسابقه‌ها می‌شدند نه خود او!

کنجکاویشان بیش‌تر شد و کوشش علاقه‌مندان به کشف این موضوع که با تعجب و تحیر نیز آمیخته شده بود، به جایی نرسید. سرانجام، تصمیم گرفتند ماجرا را از خود او پرسند و پرده از این راز عجیب بردارند.

کشاورز هوشیار و دانا، در پاسخ به پرسش همکارانش گفت: «چون جریان باد، ذرات بارور کننده غلات را از يك مزرعه به مزرعه دیگر می‌برد، من بهترین بذرهايم را به همسایگان می‌دادم تا باد، ذرات بارورکننده نامرغوب را از مزرعه‌های آنان به زمین من نیاورد و کیفیت محصولات مرا خراب نکند.»